

پروفسور آرتور کریستن سن

ایران در زمان ساسانیان

ترجمه

رشید یاسمی

مؤسسه انتشارات نگاه

تهران - ۱۳۸۴

کریستن سن، آرتور امانوئل، ۱۸۷۵-۱۹۴۵م. Christensen, Arthur Emanuel

ایران در زمان ساسانیان / آرتور کریستن سن، ترجمه رشید یاسمی.

تهران: مؤسسه انتشارات نگاه، ۱۳۸۴، ۵۴۴ ص.: جدول.

ISBN: 964 - 351 - 285 - 1

عنوان اصلی: L'Iran sous les sassanides

این کتاب در سال‌های مختلف توسط ناشران مختلف به چاپ رسیده است.

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. ایران - تاریخ - ساسانیان، ۲۲۶-۵۱۸م. ۲. ایران - اوضاع اجتماعی - پیش از اسلام، ۳. ایران - دین.

۴. تمدن ایرانی. الف، رشید یاسمی، غلامرضا، ۱۲۷۴ - ۱۳۳۰، مترجم. ب. عنوان.

۱۳۸۴ ۹۵۵/۰۳ DSR۴۰۲/۴۹

۸۴-۱۰۳۵۹

کتابخانه ملی ایران

مؤسسه انتشارات نگاه

ایران در زمان ساسانیان

پروفسور آرتور کریستن سن

ترجمه رشید یاسمی

چاپ مکرر (اول نگاه): ۱۳۸۴؛ لیتوگرافی؛ طیف نگار؛ چاپخانه: نوبهار؛ شمارگان: ۴۰۰۰

شابک: ۹۶۴ - ۳۵۱ - ۲۸۵

دفتر مرکزی: خیابان ۱۲ فروردین، شماره ۲۱، طبقه سوم، تلفن: ۶۶۴۶۶۹۴۰، فاکس: ۶۶۴۰۵۱۹۶

فروشگاه: خیابان ۱۲ فروردین، شماره ۲۱، طبقه همکف، تلفن: ۶۶۴۸۰۳۷۹

فهرست مطالب

۹	مقدمه مترجم
۱۵	دییاجه چاپ اول
۱۹	دییاجه چاپ دوم
۲۱	فهرست اختصارات
۲۷	مقدمه
۲۷	بخش اول. شمه‌ای از تمدن ایران قبل از ظهور ساسانیان
۲۷	۱. تشکیلات اجتماعی و سیاسی دولت اشکانی
۳۸	۲. اقوام شمال و شرق
۴۲	۳. عقاید و افکار دینی
۵۷	۴. زبان‌های عامه و زبان‌های ادبی
۶۳	بخش دوم. منابع تاریخ سیاسی و مدنی عهد ساسانیان
۶۳	۱. مآخذ ایرانی معاصر ساسانیان. ادبیات پهلوی
۶۵	صورت کتیبه‌های ساسانی
۷۲	۲. روایات ساسانی که در ادبیات عرب و ایران باقی است
۸۶	۳. منابع یونانی و لاتینی
۸۹	۴. منابع ارمنی
۹۲	۵. منابع سریانی
۹۵	۶. منابع چینی
۹۶	فصل اول. تأسیس سلسله اشکانی
۱۰۹	فصل دوم. تشکیلات دولت شاهنشاهی
۱۱۳	شهرداران
۱۱۵	واسپوهران
۱۲۲	وُزرگان

۱۲۳	آزادان
۱۲۵	وزیر اعظم
۱۲۷	دین
۱۳۴	مالیه
۱۳۷	صناعت و تجارت و شوارع
۱۴۱	سپاه
۱۴۳	دبیران و سایر عمال اداره مرکزی
۱۴۷	تشکیلات ایالات
۱۵۱	فصل سوم. آیین زردشتی دین رسمی کشور
۱۹۰	فصل چهارم. مانی و کیش او
۲۱۶	فصل پنجم. دولت شاهنشاهی شرق و دولت امپراتوری غرب
۲۶۳	فصل ششم. عیسویان ایران
۳۱۴	فصل هفتم. نهضت مزدکیه
۳۵۸	فصل هشتم. خسرو انوشروان
۴۲۶	فصل نهم. آخرین سلطنت بزرگ
۴۷۷	فصل دهم. انقراض دولت ساسانی
۴۸۸	خاتمه
۴۹۳	ضمیمه اول. نگارش اوستا
۴۹۶	ضمیمه دوم. فهرست صاحبان مناصب عالی کشور
۵۰۵	نمایه
۵۳۴	فهرست آثار

فهرست تصاویر

شکل ۱- سکه‌های اردشیر اول	۱۰۰
شکل ۲- نقش رستم: مجل شاه شدن اردشیر	۱۰۲
شکل ۳- قصر فیروزآباد	۱۰۵
شکل ۴- کعبه زرتشت که روی سکه شاهان پارسی نقش شده	۱۷۱
شکل ۵- آتشدان زردشتی در پشت یکی از سکه‌های اردشیر اول	۱۷۱
شکل ۶- انواع گوناگون آتشدان‌هایی که در پشت سکه شاپور اول و شاپور دوم و وهرام پنجم منقوش است	۱۷۴
شکل ۷- آتشکده شهر شاپور	۱۷۹
شکل ۸- جام کلیموا	۱۸۷
شکل ۹- نمونه نقاشی مانویان در خوچو	۲۱۳
شکل ۱۰- مینیاتور مانوی	۲۱۴
شکل ۱۱- نقش برجسته عهد ساسانی، در نقش رستم	۲۲۰
شکل ۱۲- قلعه محصور که در روی یک جام نقره نقش شده است	۲۲۳
شکل ۱۳- سکه شاپور اول	۲۲۹
شکل ۱۴- صحنه پیروزی شاپور اول بر والریانوس، در نقش رستم	۲۳۱
شکل ۱۵- صحنه پیروزی شاپور اول، در شاپور فارس	۲۳۳
شکل ۱۶- سکه وهرام اول	۲۳۴
شکل ۱۷- اوهرمزد مقام شاهی را به وهرام اول عطا می‌کند	۲۳۵
شکل ۱۸- سکه وهرام دوم	۲۳۷
شکل ۱۹- صحنه پیروزی وهرام دوم در شاپور فارس	۲۳۸
شکل ۲۰- مبارزه دو سوار	۲۳۹
شکل ۲۱- سکه نرسه	۲۴۰
شکل ۲۲- تاجگذاری نرسه در نقش رستم	۲۴۱

شکل ۲۳- سکه هرمزد دوم.....	۲۴۲
شکل ۲۴- سکه شاپور دوم.....	۲۴۳
شکل ۲۵- شاپور دوم در شکار شیر، جام نقره.....	۲۵۷
شکل ۲۶- سکه وهرام چهارم.....	۲۵۸
شکل ۲۷- طاق بستان.....	۲۵۹
شکل ۲۸- کتیبه تاجگذاری اردشیر دوم در طاق بستان.....	۲۶۰
شکل ۲۹- شاپور دوم و شاپور سوم در طاق بستان.....	۲۶۰
شکل ۳۰- سکه یزدگرد اول.....	۲۷۲
شکل ۳۱- سکه وهرام پنجم.....	۲۷۹
شکل ۳۲- قصر سروستان.....	۲۸۱
شکل ۳۳- سکه یزدگرد دوم.....	۲۸۴
شکل ۳۴- وه‌دین شاپور، ایران انبار گبید.....	۲۸۹
شکل ۳۵- سکه پیروز.....	۲۹۰
شکل ۳۶- سکه کواد اول.....	۳۳۴
شکل ۳۷- نقشه شهر سلوکیه و تیسفون و حوالی آن.....	۳۷۶
شکل ۳۸- قطعات نقوش تیسفون.....	۳۸۱
شکل ۳۹- طاق کسری در سال ۱۸۸۸ میلادی.....	۳۸۲
شکل ۴۰- تصویر خسرو اول در جام.....	۳۹۰
شکل ۴۱- سکه خسرو اول.....	۳۹۱
شکل ۴۲- سکه خسرو دوم.....	۴۳۰
شکل ۴۳- سکه وستهم.....	۴۳۱
شکل ۴۴- غار خسرو دوم در طاق بستان.....	۴۴۱
شکل ۴۵- دو تصویر خسرو دوم در طاق بستان.....	۴۴۲
شکل ۴۶- شکار گوزن خسرو دوم در طاق بستان.....	۴۵۱
شکل ۴۷- شکار گراز خسرو دوم در طاق بستان.....	۴۵۳
شکل ۴۸- خسرو دوم در شکار (جام نقره).....	۴۶۱
شکل ۴۹- جام نقره.....	۴۶۲
شکل ۵۰- تنگ نقره.....	۴۶۳
شکل ۵۱- نای زن (جام نقره).....	۴۶۵
شکل ۵۲- سکه یزدگرد سوم.....	۴۸۰

مقدمه مترجم

نیاز به نگارش تاریخ ایران باستان از دیرباز احساس می‌شد. گرچه مشیرالدوله تاریخ ایران باستان را از قدیمترین ادوار تا پایان عهد اشکانیان باز نمود، لکن روزگار مجال نداد تا دوره ساسانیان را به نگارش درآورد.

نویسنده این سطور که سالی چند است به تدریس تاریخ در دانشکده ادبیات اشتغال دارد، نقص کار دانشجویان را به سبب این فقدان در نظر داشته، پیوسته مترصد بود که به قدر مایه قلیل خود در تدارک این نقیصه بکوشد، ولی جریان کارها و درس‌ها و فراهم نبودن وسایل ضروری او را از انجام این خدمت باز می‌داشت، تا این‌که سال گذشته کتاب «تاریخ ایران در زمان ساسانیان» به قلم استاد جلیل و ایران‌شناس نبیل پروفیسور آرتور کریستسن دانمارکی A. Christensen، استاد علم لغت ایرانی در دانشگاه کپنهاگ، از طبع خارج شد. نظر به آگاهی کاملی که از تبحر آن استاد دقیق داشتم و در سفرهایی که به ایران آمده بودند و نعمت صحبت ایشان دست می‌داد مکرر از این کتاب سخن رفته بود، می‌دانستم که قریب سی سال در تألیف آن رنج برده‌اند و تقریباً همه منابع قدیم و جدید را، از یونانی و رومی و سریانی و ارمنی و عربی، خاصه کتاب‌هایی که در دو قرن اخیر به خامه خاورشناسان و محققان آثار باستان نگارش رفته، از نظر انتقاد گذرانیده‌اند. پس نسخه‌ای از آن به دست آوردم^۱ و دیدم الحق داد تحقیق و تتبع را داده‌اند. و جامع‌تر از این کتابی در تاریخ ساسانی نوشته نشده است، خاصه آن‌که مؤلف کیفیت مدنی آن زمان را مورد بحث قرار داده و گرد روایات و سرگذشت‌ها، که در کتب دیگر مبسوطاً قید شده، نگشته است، چنان‌که از تاریخ پادشاهان و چگونگی ایام سلطنت آنان جز آن مقدار که توالی روزگار و انتظام زمان را ضرور است یا یکی از شئون تمدن را

۱. این نسخه‌ای از چاپ اول کتاب است که در سال ۱۹۳۶ در کپنهاگ انتشار یافته است.

روشن می‌کند، چیزی نیاورده است. همه مباحث آن متوجه دین و فرهنگ و علم و هنر و مقامات اجتماعی و مراتب دریاری و مانند این‌هاست. هنوز از خواندن این کتاب نپرداخته بودم که داعیه‌ای در باطن من پدید آمد و ترجمه آن وجهه همت قرار گرفت. بسی دریغ آمد که با وجود چنین خرمن مهیایی به خوشه‌چینی جدیدی دست برده شود و چون در نظر ظاهرینان ترجمان دون مصنفی است، از قبول عنوان مترجم دامن همت بالا گرفته آید، زیرا که در چشم حقیقت‌شناسان دو نکته مسلم است: یکی آن‌که ترجمه صحیح و مطابق به از تألیف مزور و منافق، دیگر آن‌که بیشتر مصنفات زمان ما ترجمه‌هایی است در لباس تألیف و اقتباس‌هایی است با هزارگونه تحریف. پس سود فرزندان کشور و معرفی زحمات مؤلف دانشور را بر خرسندی دواعی نفسانی ترجیح نهادم و به ترجمه دست گشادم که دشوار آسان‌نمای و زحمت طاقت‌فرسای است.

اگرچه کارهای استاد کریستنسن هریک دری شاهوار و اثری شاهکار است، ولی این کتاب واسطه‌المقد سلسله تألیفات اوست و می‌توان سبک آن را سهل‌ممتنع شمرد، زیرا با وجود غور و فرورفتن در اسناد قدیم و آثار گوناگون که لازمه این قبیل تحقیقات اساسی است، مؤلف محترم اندکی از حدود فصاحت و بلاغت و ایجاز و دقت خارج نشده است. در موارد بسیار، محض اختصار، روایات معروف را که در دسترس هرکسی هست کنار گذاشته، به ذکر نکاتی که تازگی دارد پرداخته است.

از تازگی‌های این کتاب آن است که مؤلف اعلام و اصطلاحات قدیم را عموماً به شکلی آورده است که در کتب اوستایی و پهلوی دیده یا قواعد زبان‌های کهن چنان حکم می‌کرده است. مانند وهرام (بهرام)، وزرگ‌مهر (بزرگ‌مهر)، اوهرمز (هرمز = اهورامزدا)، میثره (مهر)، کواد (قباد)، ابرویز (پرویز)، جاماسپ (جاماسب)، ویستهم (بستام)، ویندوی (بندوی)، خودای‌نامگ (خدای‌نامه)، اسفندیاد (اسفندیار)، دیبهر (دبیر)، آمیدا (آمد - دیار بکر)، دودگ (دوده)، گنزواد آورد (گنج باد آورد)، رام ابزود یزدگرد (رام افزود یزدگرد) و امثال آن. در ظاهر این کار مؤلف به تفنن یا علم‌فروشی شباهت دارد، اما در حقیقت حاکی از اهتمام او در ضبط کلمات قدیم است و از این لحاظ هم کتاب او قیمتی خاص دارد. چون نگارنده امانت و زنهارداری را از شرایط فن ترجمه می‌داند، انحراف از طریق مؤلف را جایز نشمرد و آن کلمات را چنان‌که بود به فارسی نقل کرد و در موارد مهم صورت جدید آن‌ها را در میان دو کمان قرار داد و گاهی به همان صورت مأنوس اکتفا نمود.

خاورشناسان برای کلمات شرقی رسم‌الخط‌های گوناگون پیش گرفته‌اند تا به وسیله حروف لاتین همه اصوات و حرکات الفاظ شرقی را بنمایانند. اگرچه با وجود کنگره‌هایی که تشکیل

داده و بحث‌هایی که کرده‌اند، هنوز موافقت تام در باب بعض حروف حاصل نشده است، ولی عموماً به وسیله ترکیب حروف یا افزودن علائم در زیر و روی حروف لاتین افاده مقصود کرده‌اند. مثل ترکیب kh به جای «خ» و dh به جای «ذ» چنان‌که در دیباچه مؤلف مذکور است. اما علائم اضافی را از قبیل نهادن خطوط کوچک افقی یا آکسان‌های مایل یا نقطه در بالا و زیر حروف برای نشان دادن مد در الف یا اشباع و معروف و مجهول در واو و یاء مثل: ۵ برای واو و ۶ برای یاء و ã برای الف ممدود. ما نیز در این ترجمه هر جا که نگارش کلمات لاتین لازم آمد تأسی به مؤلف کردیم با این تفاوت که چون در چاپخانه خطوط افقی برای بالای حروف موجود نبود یا آکسان گذاشتیم یا نقطه قرار دادیم.^۱

مؤلف به جای بعض حروف اوستایی از حروف یونانی استفاده کرده بود مثل γ برای «غ» و δ برای «ذ» و β برای «ف دولبی» و x برای «خ»، ما نیز آن حروف را عیناً به کار بردیم. همچنین گاهی در کلمات اوستایی کسره را به صورت "e" معکوس "ə" نموده بودند و ما نیز چنان کردیم.

در نقل بعض اسماء خارجی به حروف فارسی ندرتاً اختلافاتی واقع شده است، مثلاً اندوسیت و هندوسیت (Indo-Scythe) و نولدکه و نلدکه (Nöldeke) و اشتاین و اشتین (Stein) و شائندرو و شیدر (H. Schaeder) و هپتالیان و هپتالیه (Hephtalites) و آگاسیاس و آگاثیاس (Aghathias) و نظایر آن. کسی که به فهرست اعلام مراجعه می‌نماید باید اختلاف نظایر آن کلمات را در نظر بگیرد.

پس از شروع به ترجمه از مؤلف محترم تقاضا شد که اگر نظر جدیدی دارند و اصلاحی را لازم می‌دانند مرقوم فرمایند اتفاقاً جواب ایشان وقتی رسید که چاپ متن قریب به اتمام بود. پس آن مطالب را در ضمن یادداشت‌های الحاقی قرار دادیم.

کتاب اصل دو ضمیمه داشت، نخستین راجع به زمان کتابت اوستا بود. مؤلف قول آبه ناو Nau را که مدعی است اوستا بعد از ساسانیان به نگارش درآمده، رد کرده بود، ولی در نامه خود تقاضا نموده که این چند صفحه بکلی از ترجمه برداشته شود، زیرا که آقای نیبرگ آن مسئله را از لحاظ دیگر مورد بحث قرار داده و مبحث قدری پیچیده‌تر شده محتاج به مطالعه بیشتری است. ما نیز آن ضمیمه را حذف کردیم.

در اثنای ترجمه هر قدر از لغات جدید فرهنگستان انتشار می‌پذیرفت به جای الفاظ سابق

۱. خوانندگانی که با خط آلمانی آشنا هستند باید متوجه باشند که در اینجا دو نقطه روی حرف حکایت از مد و اشباع می‌کند، ولی در خط آلمانی غالباً دلالت بر کوتاهی حرکات دارد.

به کار برده شد، مثل سازمان به جای تشکیلات و بازرسی به جای تفتیش. باید خواننده محترم این نکته را در نظر داشته، اصطلاح قدیم را از جدید بازشناسد، مثلاً شهرداران عهد ساسانی را با شهرداران جدید به معنی رؤسای بلدیّه و استان قدیم را با استان جدید و دبیران آن زمان را با دبیران به معنی معلمان مدارس متوسطه و امثال آن اشتباه نفرماید.

در حقیقت مؤلف دانشمند چیزی از اصول مسائل تاریخی عهد ساسانی فرونگذاشته و در فروع هم هرچه ترک یا اختیار کرده است بنابر حکمتی بوده و بر سلیقه او نمی توان ایرادی گرفت. باوجود ایجازی که رعایت نموده است، اگر کسی بخواهد به تمام مسائل تاریخی و روایات متضاد عهد ساسانی پی ببرد، برای او کافی است که به یادداشت های آخر این کتاب رجوع نموده و از منابع مختلفه شرقی و غربی قدیم و جدید در باب هر مطلبی استحضار بیابد. مؤلف نظر به همین ایجازی که در نظر داشته، مسلماً بعض روایات را عمداً حذف یا مختصر کرده است و نباید آن ترک و تلخیص را بر نقص تتبع او حمل کرد. پس ما جایز ندانستیم که چیزی به عنوان ملحقات بر این نسخه علاوه کنیم، جز در بعض موارد که تحت عنوان چند توضیح مطالبی بر سبیل ایضاع آورده ایم تا ترجمه بهتر فهمیده شود.

مؤلف محترم یادداشت های گرانمایی در ذیل اکثر صفحات قید کرده بوده که برای فضلا و متخصصان تاریخ سود بسیار داشت، لکن عامه خوانندگان و دانشجویان چندان فایده از آن نمی بردند. از طرفی حذف آن ها شایسته نبود و از طرف دیگر گنجاندن در پای صفحات موجب ملال خوانندگان عادی می شد، پس ما طریقی پیش گرفتیم که جامع هر دو نظر باشد، یعنی یادداشت ها را با مختصر جرح و تعدیلی به مقتضای احوال خوانندگان ایرانی در آخر کتاب قرار دادیم. به این ترتیب اشخاصی که قصدشان مطالعه تاریخ است از کثرت یادداشت های پای صفحه ملول نمی شوند و فضایی که مرادشان تحقیق است در آخر کتاب مطالب مفیده را خواهند یافت. نوع دیگر از یادداشت های کتاب ارجاع به کتب و مجلات اروپایی بود که اکثر آن ها اصلاً در ایران وجود ندارد و در اروپا هم کمیاب است، پس خواننده این کتاب سودی از آن ها نمی توانست ببرد. در این خصوص ما نام کتب و مؤلفان معروف را ذکر کردیم، ولی از تکرار شماره صفحات و بندها و فقره های آن کتب خودداری نمودیم، زیرا که اگر کسی واقعاً به قدری متبع باشد که آن اسناد کمیاب را به دست بیاورد و در آن ها غور و بررسی کند البته مستقیماً به اصل این کتاب هم می تواند دست بیابد و در آنجا صفحات و فقرات هریک از مأخذها را دقیقاً پیدا کند. اما برای عموم خوانندگان عادی ذکر اعداد صفحه و بند و فقره ضرورت ندارد. پس در عین این که متأسف هستیم که برخلاف سلیقه خود در یادداشت های مؤلف مختصر جرح و تعدیل قائل شده ایم، مسروریم که از این راه برای

خوانندگان کار را آسان کرده ایم و یقین است که مؤلف محترم و دانایان بصیر دیگر این روش معتدل و مناسب با احوال را خواهند پسندید.

چون بعضی از کتب مکرر نام برده شده است، مثل تاریخ طبری و غرر اخبار ملوک الفرس ثعالبی و کتاب التاج جاحظ و مروج الذهب و التنبيه و الاشراف مسعودی و مؤلفات نلدکه و هرتسفلد و زاره آلمانی، ما ناچار شدیم که محض اختیار در یادداشت های آخر کتاب رمزی برای نام هریک قرار دهیم و برای این که عنوان کتب مستشرقان در زبان اصلی قید شده باشد عین فهرست اختصارات و علائم مؤلف را نقل نمودیم که جوینده از اشتباه برکنار باشد.

در این کتاب اصطلاحات باستانی بسیار است. محض نمونه بعضی از آن ها را در آخر کتاب به ترتیب تهجی و با اشاره به صفحات نگاشتیم ولی در متن خیلی بیش از آن می توان یافت که برای طالبان صفحات مصطلحات قدیم سودمند افتد.

دیباچه چاپ اول

قریب سی سال از زمان نشر کتاب من به نام «شاهنشاهی ساسانیان» می‌گذرد. در این مدت، بسی مواد تازه به دست آمده است، که نه تنها برای تحقیق و تتبع بیشتر در مباحث خاص تاریخ تمدن ساسانی، که موضوع آن کتاب بود، یعنی وضع مردم و دولت و دربار ساسانی مفید است، بلکه در مباحث دیگر نیز، از قبیل صنعت و دیانت آن عصر، مطالب گرانمایی به دست می‌دهد. به این دلیل مصمم شدم به جای چاپ مجدد آن کتاب، که ناچار می‌بایستی تجدید نظر کلی در آن صورت می‌گرفت، به مطالعه تاریخ تمدن ساسانی از جمیع جهات پردازم و آن را تا حدی که ممکن است موافق ترتیب ادوار تاریخی بیان نمایم. این طرح عاقبت به نگارش تاریخ عمومی ایران ساسانی منجر شد، که در آن تاریخ سیاسی آن عهد به منزله چهارچوبی است، که درون آن زندگی مادی و معنوی، اوضاع و شرایط اجتماعی، افکار دینی و آرای فلسفی، وضع صنایع و غیره، به معرض نمایش درآمده است.

کیفیت سازمان اداری شاهنشاهی بالطبع ضمن شرح تأسیس این سلسله بیان گردید و شرح تحولاتی که در این قسمت در طول عهد ساسانی رخ داده، به ترتیب در مکان تاریخی خود قرار گرفت، از طرف دیگر برای این که کتاب خود را زنده تر و روشن تر کنم، اطلاعات و مطالب مربوط به هریک از مباحث تمدنی و اجتماعی را در فصلی آورده‌ام، که برای تفسیر و توضیح وقایع سیاسی با اوضاع عمومی موضوع آن فصل مفید باشد. به این ترتیب وصف تشکلات نظامی دوره اول عهد ساسانی در فصل پنجم قبل از بیان جنگ‌های ایران و روم صورت گرفته است و اطلاعات مربوط به محاکم و حقوق جنایی در فصل ششم به هنگام شرح آزار عیسویان و تعقیب آنان، تحقیقاتی راجع به مسائل خانواده و مالکیت آغاز فصل هفتم را تشکیل می‌دهد، که موضوع عمده اش «فتنه کمونیستی مزدک» است. وصف مختصری از پایتخت ایران را در آن عهد در فصل هشتم، که مخصوص شاهنشاهی خسرو اول است، قرار

داده‌ام، چه در زمان سلطنت این شاهنشاه، که بانی انطاکیه جدید در جنب تیسفون و سلوکیه بود، پایتخت ایران به بسط و عظمت نهایی خود رسید. در همین فصل اطلاعاتی راجع به تشریفات دربار ذکر کرده‌ایم، زیرا بیشتر آنچه که مورخان ایرانی و عرب درباره این موضوع آورده‌اند، مربوط به دوره اخیر عهد ساسانی است، که با جلوس خسرو اول پس از فرونشاندن نهضت مزدک آغاز می‌شود. اما هرچه درباره شکوه و جلال دربار بوده، در فصلی آمده است، که مخصوص خسرو دوم معروف به پرویز است، زیرا که هیچ‌یک از شهریاران ساسانی طرایف و ظرایف و جمال و جلال درباری را به پایه این پادشاه نرسانیده‌اند.

نسبت به سیاست خارجی ایران راه اختصار را پیموده‌ام و شرح حوادث جنگی را به کمترین مقدار ضروری تقلیل داده‌ام. اما اگر قصه جنگ شاپور دوم را با رومیان از این قاعده مستثنی ساخته‌ام، از آن سبب است که ما در آثار آمیانوس مارسلینوس^۱ روایت بی‌نظیر مردی را در دست داریم، که خود شاهد عینی وقایع بوده و با استادی و مهارت، شاه بزرگ و لشکرهای او و صحنه‌های پر جنب و جوش آن جنگ‌ها را از نو در برابر دیدگان ما زنده و مجسم می‌کند.

در مطاوی این کتاب خوانندگان گاهی قطعاتی از کتاب قدیم من موسوم به «شاهنشاهی ساسانیان» می‌یابند، که یا عیناً نقل گشته و یا در هنگام ضرورت مطالبی به آن افزوده شده و لغزش‌های آن اصلاح گردیده است. در مواردی که تغییر بزرگی در عقاید تاریخی من رخ داده است، در متن یا حواشی تصریح کرده‌ام. در اینجا به خصوص به تغییری که در عقاید من در باب مناسبات بین مرزبانان و پادگوسبانان و اسپاهبدان پس از انتشار مقاله آقای «اشتاین»^۲ رخ داده و درباره آن در ضمیمه دوم کتاب بحث خواهد شد، متوجه می‌کنم. اما باید اعتراف کنم که این مسائل هنوز به درجه وضوحی، که باید، نرسیده است. شرحی که راجع به تاریخ سلطنت کواد اول و مزدکیان نوشته‌ام نگارش مجدد قسمت دوم رساله‌ای است در این کتاب که به نام «سلطنت کواد اول و کمونیسم مزدکی» جداگانه انتشار داده‌ام. بسی نکات از بخش نخستین آن رساله بر آن افزوده‌ام.

در اینجا باید بگویم که نسخه خطی این کتاب سه سال پیش آماده طبع بود ولی انتشار آن به عللی، که مربوط به من نبود، به تأخیر افتاد. در خلال این احوال ناگزیر شدم چندین بار در فصل چهارم، که راجع به مانویه است، دست ببرم، زیرا که چندین کتاب معتبر در این خصوص در این مدت انتشار یافته است و از این گذشته متون مانوی، که اخیراً به زبان قبطی به دست

آمده است و هنوز جز قسمتی از آن در دسترس عامه قرار نگرفته است، ما را نوید می‌دهد که در آینده اطلاعات وسیعتری از این جنبش دینی حاصل کنیم.

برای این که این کتاب زیاد منفور نظر آن دسته از مورخانی که مستشرق نیستند نباشد، از استعمال الفبای «صوتی»^۱ احتراز جسته و برای ادای اصوات حروف مرکب از قبیل bh, dh, gh, th, kh, zh, sh, dj, tch را، که مانوس تر است، به کار برده‌ام. در این کتاب حروف صوتی فقط در چند کلمه و نام اوستایی پیش می‌آید و من در این مورد از شیوة کتابت دیرین اهل فن تبعیت کرده‌ام. املائی کلمات و نام‌های پهلوی را به حروف لاتین کمی ساده‌تر کرده‌ام و تا جایی که میسر بود، تلفظ مرسوم در اواخر عهد ساسانیان را مأخذ قرار داده‌ام. اما در خصوص نام پهلوی خدای بزرگ زردشتیان، من آن را به رسم اکثر مورخان اوهرمزد^۲ نوشته‌ام، که نیم‌عالمانه و نیم‌عامیانه است و گویا تلفظ عامیانه آن هرمزد^۳ بوده و به همین شکل هم برای اسامی اشخاص به کار رفته است. از آنجا که اصوات (فونتیک) زبان‌های ایرانی میانه در دوره چهارصد سالة سلطنت ساسانیان تغییرات و تحولات بسیاری یافته است، البته نقل آن‌ها به خط لاتین از خطا و خلل لااقل ظاهری محفوظ نتواند بود.

در نقل اسامی فارسی و عربی از خط عربی به خط لاتین حروف نقطه‌دار به کار برده‌ام، ولی خواننده می‌تواند آن‌ها را بدون رعایت علامت‌های مذکور بخواند.

نام‌های جغرافیایی معروف را به همان صورت معمول فرانسوی آن‌ها آورده‌ام. در مورد نقل مطالبی از مصنفان شرقی، هرگاه ترجمه خوبی از آن‌ها به زبان فرانسه موجود بود، من تابع آن ترجمه شده‌ام، مگر در مواردی، که برای بعضی عبارات ترجمه صحیح‌تری را لازم شمرده‌ام. در نقل بعض مطالب از نامه تنسر ترجمه دارمستتر^۴ گاهی قائل به تغییر شده‌ام و این در نتیجه مقابله کتاب دارمستتر با متن چاپ جدیدی است، که «مینوی» انتشار داده است. در باب آثار صنعتی از ذکر همه منابعی که می‌توان به آن‌ها رجوع کرد، خودداری کرده‌ام. در کتاب ارزان‌قیمت و خوش قطع آقای زاره^۵ به نام صنایع ایران قدیم^۶ که محتوی تصاویر زیبایی از مهمترین آثار صنعتی ایران باستان است، کلیه اطلاعات لازم را می‌توان یافت.

از آقای زی استروپ^۷ که در مطالعه بعض متون عربی مساعدت‌های گرانبهائی به من کرده است، تشکر می‌کنم و نیز از آکینیان نمازگزار دیر آباء مکیتاریست^۸ وین و کتابدار کتابخانه

1. Phonétique

2. Ohrmazd

3. Hormizd

4. Darmesteter

5. Sarre

6. Die Kunst des alten Persien

7. J. Østrup

8. Méchitariste

مکتب‌تاریست‌ها ممنون هستم، که یادداشت‌هایی در باب کتب و مورخان ارمنی برایم فرستاده‌اند.

همچنین از آقای «ف. زاره» سپاسگزارم، که اجازه نقل بعضی از تصاویر کتاب خود را لطف کرده‌اند.

در خاتمه از اوقاف «راسک - اورستد»^۱، که از تأسیسات دولتی دانمارک است، باید اظهار امتنان نمایم، که با مساعدت مالی خود، طبع این کتاب را تسهیل کرده است.

آرتور کریستسن

دیباچه چاپ دوم

چون چاپ اول کتاب «ایران در زمان ساسانیان» چند سال است نایاب شده، چاپ دوم آن را به صورتی که اکنون از نظر خوانندگان می‌گذرد، آماده کردم. در این چاپ جدید کشفیات تازه مربوط به عهد ساسانی، که مهمترین آن عبارت است از: کتیبه کعبه زردشت و خرابه‌های شهر شاپور و کتیبه شاپور اول در آنجا، و نیز کتیبه که از سال ۱۹۳۶ تاکنون در باب مباحث مختلف تمدن ساسانی انتشار یافته، مورد توجه قرار گرفته است.

همچنین از انتقاداتی که بر کتاب من نوشته شد، بخصوص مقالات آقایان بیللی^۱ در «نشریه مدرسه زبان‌های شرقی» و مینورسکی^۲ در «مجله انجمن همایونی آسیایی» سال ۱۹۳۹، صفحات ۱۰۵۸ و اشتاین^۳ در جلد ۵۳ «موزنون»^۴ سال ۱۹۴۰، که هنگام قرائت نمونه‌های مطبوعه در دسامبر ۱۹۴۳ به دست من رسید، استفاده شایان بردم.

اندکی پس از انتشار چاپ اول «ایران در زمان ساسانیان» کتاب آقای نیبرگ^۵ در باب ادیان ایران قدیم به زبان سوئدی انتشار یافت و کمی بعد ترجمه آلمانی آن نیز توسط آقای شدر^۶ در دسترس عموم قرار گرفت. این کتاب، هرچند که درباره بعضی نکات آن گفتگو و بحث بسیار شده، حاوی نظریات تازه و بدیعی است و طرق جدیدی برای تحقیق و تتبع در ادیان قدیم می‌گشاید.

من با توجه به عقاید آقای «نیبرگ» در نظر اجمالی خود در باب پایه‌های دین زردشتی، که بخش سوم مقدمه کتاب را تشکیل می‌دهد، دست برده و آن را اصلاح کرده‌ام.

1. Baily

2. Minorsky

3. E.Stein

4. Muséon

5. Nyberg

6. H.H.Schaeder

یادداشت‌ها و مطالبی که بر چاپ اول اضافه شده، در فصل‌های مربوط به خود قرار گرفته است.

بدینسان کتاب من اکنون با تغییراتی چند و اضافاتی بسیار دوباره انتشار می‌یابد. در خاتمه تشکرات قلبی خود را به اوقاف کارلسبرگ^۱ که با مساعدت مالی خود این چاپ جدید را میسر ساخت، تقدیم می‌دارم.

آرتور کریستنسن